

## تصمیمات دادگاهها

تصمیم دیوان کشور بر شکستن

راجع باینکه مأمور تحقیق بدرخواست استماع گواهی گواهان توجه ننکرده

ماده ۲۰ و ۱۲۲ قانون آزمایش

خواهان نیز گواهان خود را حاضر و درخواست کرده است گواهی آنها استماع شود و مأمور اجرای تحقیق بر خلاف مواد ۱۲۰ و ۱۲۲ آئین دادرسی درخواست او را نپذیرفته و در جلسه رسیدگی دادگاه نیز درخواست استماع گواهی گواهان خود را نموده و دادگاه از پذیرفتن آن خودداری نموده و استدلال دادگاه باینکه اثبات دعوی بر عهده مدعی است و ادعای مرور زمان از طرف معترض علیه شده و بر معترض که مدعی علیه این دعوی است تکلیف اقامه شهود و یا اثبات نیست بر خلاف صریح مواد مذکوره است بعلاوه مکلف نبودن خواننده باثبات مانع از آن نیست که برای دفاع از دعوی اقامه دلیل کرده و دفاع خود را مدلل نماید بنابراین قرار مورد شکایت بموجب ماده ۳۴۰ آئین دادرسی شکسته میشود.....

کسی در دادگاه شهرستان بر درخواست ثبت يك نفر اعتراض کرده و خواننده قضیه را مشمول مرور زمان دانسته - در خلال رسیدگی کسی دیگر بعنوان شخص ثالث دادخواستی تقدیم و خواسته را وقف دانسته است - دادگاه پس از رسیدگی قضیه را مشمول مرور زمان و خواسته را هم وقف تشخیص میدهد و معترض را بپرداخت مبلغی خسارت در حق شخص ثالث و معترض علیه محکوم میشود - محکوم علیه از قرار مرور زمان خسارت پژوهش خواسته و دادگاه استان پس از رسیدگی حکم را استوار میکند - محکوم علیه درخواست رسیدگی فرجامی کرده و شعبه ۴ دیوان کشور در دادنامه شماره ۱۷۸۶ بتاریخ ۱۸/۷/۱۸ چنین رأی داده است:

« چون بر حسب حکایت پرونده در موقع اجرای قرار تحقیق محلی برای رسیدگی بدعوی مرور زمان

رأی دیوان کشور بر استوار کردن

در مورد بیکه متهم بقاچاق جنس ممنوع از لحاظ عدم علم ب ممنوع بودن خرید و فروش کرده

ماده ۴۵ قانون مرتکبین قاچاق و قانون تفسیر آن ماده مصوب ۱۳۱۶

«اعتراض فرجامخواه (اداره گمرک) خلاصه آنکه (متهمه پارچه موضوع دعوی قاچاق را بمعرض فروش گذارده بوده و عمل او طبق قانون بزه محسوب میشود) بر حکم مورد درخواست رسیدگی فرجامی وارد نیست زیرا در نتیجه بازجویی ها دادگاه صادر کننده حکم تشخیص داده که متهم نه وارد کننده پارچه مزبور بکشور بوده

کسی که باتهام قاچاق سه قواره پارچه ممنوع مورد تعقیب اداره گمرک واقع شده و مبلغی جریمه داده و به دادگاه شکایت کرده و تیرنه شده دادگاه استان حکم را استوار کرده - اداره گمرک فرجام خواسته - شعبه (۲) دیوان کشور در دادنامه شماره ۱۰۹۹ بتاریخ ۱۸/۵/۲۱ چنین رأی داده است:

و نه برای تجارت و کسب و با علم باینکه عموعاً آن را مورد نقل و انتقال قرار داده و بلکه بمنظور مصرف شخصی خود قبلاً خرید کرده و بعداً هم برای احتیاج بوده در مقام فروش آن برآمده است و این عمل بطوری که دادگاه تشخیص داده با قانون تفسیر ماده ۴۵ قانون

مرتکبین قاچاق مصوب فروردین ۱۳۱۶ و مواد مربوطه دیگر راجع بقاچاق منطبق نخواهد بود و نظر دادگاه هم در تشخیص کیفیت عمل اصولاً قابل اعتراض در مرحله فرجامی نیست و لذا حکم مورد درخواست خالی از اشکال است و باتفاق آراء ابرام میشود»

### رأی دیوان کشور بر استوار کردن

در موردیکه دادگاه سن متهم را مخالف شناسنامه تشخیص داده

ماده ۳۶ و ۳۹ قانون کیفر و ماده ۹۹۹ قانون مدنی

کسی باتهام چند فقره دزدی با داشتن يك سابقه مؤثر مورد تعقیب واقع و پس از رسیدگی بدو سال و نیم حبس محکوم میشود و بر اثر اعتراض محکوم علیه دیوان کشور شعبه (۲) در دادنامه شماره ۱۱۸۹ بتاریخ ۱۸/۵/۲۸ چنین رأی داده است :

« اعتراض فرجامخواه بر حکم مورد درخواست رسیدگی فرجامی خلاصه آنکه (طبق برك شناسنامه سن او بهیچده سال تمام نرسیده و تعیین مجازات معینه در باره او برخلاف ماده ۳۶ قانون مجازات عمومی میباشد و بعلاوه مشارالیه جز نسبت بیکفقره از دزدی های مورد حکم بدزدی های دیگر اعتراف نکرده است) موجب نقض حکم مزبور نیست چه مستفاد از ظاهر حکم دادگاه جنحه و دادگاه استان این است که سن مشارالیه در موقع

ارتکاب زاید بر ۱۸ سال تمام تشخیص شده و بر فرض برك شناسنامه او کمتر از ۱۸ سال دلالت داشته باشد رعایت مدلول آن بر دادگاه تکلیف لازمی نبوده و در امر جزائی دادگاه از حیث تشخیص سن ملزم بر رعایت مندرجات شناسنامه نخواهد بود و بر تقدیر اینکه بعضی از دزدی های موضوع حکم مورد اعتراف او واقع نشده باشد استناد دادگاه در ضمن سایر دلایل و نشانی های مشروح در حکم با اعتراض های صریح و ضمنی او که از مجموع آن دلایل ارتکاب متهم را نسبت بتمام بزهای مورد حکم محرز دانسته مانع قانونی بنظر نمیرسد و بالجمله چون از حیث رعایت اصول دادرسی و قانون اشکال مؤثر موجب نقض بنظر نمیرسد و حکم فرجام خواسته باتفاق آراء ابرام میشود»

### رأی دیوان کشور بر شکستن

در مورد نبرئه کسی که بدون داشتن سمتی دخالت در شغل دولتی کرده

ماده ۱۲۵ قانون کیفر

کسی بیزه اینکه خود را مدیر دفتر دادگاه معرفی و بکممک دیگری اظهار نامه ای بیکنفر ابلاغ کرده هر دو نفر مورد تعقیب داد سرای شهرستان واقع شده و ادعای نامه بدادگاه جنحه فرستاده میشود - دادگاه اولی

را با استناد مواد ۱۲۵ و ۴۵ قانون کیفر و دومی را طبق ماده ۲۸ آن قانون بحبس تأدیبی محکوم میکنند بر اثر پروتکل خواهی متهمان دادگاه استان رسیدگی و (با استناد اینکه ماده ۱۲۵ راجع بکسی است که خود را مشغول بشغل دولتی

کند و شامل کسیکه يك عملی از اعمال مربوط بأمورین دولتی را انجام دهد نمیشود) بزهدکار اصلی را تبرئه و نسبت بمعاون اوهم بزه را معاونت ندانسته و تبرئه می شود. دادسرای استان فرجام خواسته - شعبه ۲ دیوان کشور پس از رسیدگی در دادنامه شماره ۱۷۶۹ بتاريخ ۱۸/۷/۳۰ چنین رأی داده است:

« نظر باینکه بر حسب حکایت برگهای مربوط پرونده کار عمل موضوع اتهام این بوده که یکی از متهمان بعنوان اینکه مدیر دفتر دادگاه است در امر ابلاغ نامه

مورد بحث دخالت نموده و آنرا بمخاطب آن ابلاغ کرده در صورتیکه چنین سمتی نداشته و این معنی بر فرض تحقق مشمول ماده ۱۲۵ قانون کیفر همگانی و معاونت در آن عمل هم که بمتهم دیگر نسبت داده شده بزه محسوب میشود لذا حکم مورد درخواست رسیدگی فرجامی ذایر بقابل تعقیب نبودن عمل آنها باستناد عدم شمول ماده مزبور چنانکه از طرف دادسرای فرجامخواه اعتراض شده مخالف قانون است و بموجب ماده ۴۳۰ آئین دادرسی کیفری باتفاق آراء شکسته میشود.»

### رای دیوان کشور بر شکستن

در موردیکه دادگاه پژوهش متهم بافترا را باستناد عدم احراز صحت افترا نامه در مراجع صلاحیت دار تبرئه کرده  
ماده ۲۶۹ مکرر قانون کیفر

صحت و سقم مندرجات نامه رسیدگی نموده بخدوش و معلول است زیرا دعوی دادستان شهرستان شهرستیان بشرح ادعای نامه نشر اکاذیب در حدود بند (ب) از ماده ۲۶۹ قانون کیفر همگانی و موضوع تعقیب نامه منسوب بمتهمان بعنوان فرمان داری نه ادعای توهین و افترا یا عمل دیگر که دادگاه صادر کننده حکم ملاک و پایه قرار تیره داده است و تشخیص صحت یا سقم نسبتهای مندرجه در نامه از صلاحیت همان دادگاه بوده و بزه شناختن عمل موضوع بحث منوط به ثبوت خلاف واقع بودن آن در دادگاه دیگری نمیباشد بنابر این حکم مورد فرجام بعلت اخیر الذکر شکسته میشود.....»

کسی با اتهام آنکه نامه نوشته و اعمالی را برخلاف حقیقت به کسی نسبت داده مورد تعقیب واقع و دادگاه جنحه او را بسه ماه حبس تادیبی محکوم کرده و دادگاه استان باستناد آنکه پیش از احراز صحت و سقم آن نامه در مراجع صلاحیت دار در ردیف بزه توهین و یا افترائی که موجب تعقیب امر باشد بشمار نمیرود حکم را گسیخته و متهم را تبرئه کرده - دیوان کشور شعبه (۲) در دادنامه شماره ۱۹۲۵ بتاريخ ۱۸/۷/۲۹ چنین رأی داده است:

« استدلال دادگاه در تبرئه متهمان باینکه از شکایت نامه که متهمان نوشته اند توهین و یا افترائیکه موجب تعقیب باشد مستفاد نمیشود و مراجع صلاحیت دار برای تشخیص

### رای دیوان کشور بر شکستن

در موردیکه متهم بانقتال مال دیگری از لحاظ نداشتن سوءنیت تبرئه شده

ماده ۱۱۷ قانون ثبت اسناد

پیش از گذشتن مدت و فك بیع یکدانك و نیم آن را با دیگری معامله میکند و پیش از گذشتن مدت دو معامله

کسی بموجب سند رسمی چهار دانك مشاع ملکی را بیع شرط میفروشد و بموجب سند رسمی دیگری

سابق نسبت بدو دانک از چهار دانک نامبرده ۲ معامله دیگر میکند. و در نتیجه مورد تعقیب واقع شده و در دادگاه جنائی بلخ اعطای احرار از سوء نیت متهم در معاملات نامبرده و اینکه ممکن است در موقع معامله از جهت اینکه متهم اراضی دیگری بایلاکهای مختلف داشته در قید بایلاکها اشتباهی کرده عمل متهم را مشمول ماده استنادی ندانسته و اورا تبرئه کرده اند. بر اثر درخواست رسیدگی فرجامی دادستان استان و درخواست فرجام تبعی دادستان کل دیوان کشور شعبه (۲) در دادنامه شماره ۱۱۸۴ بتاریخ ۱۸-۵-۲۴ چنین رأی داده:

«علاوه بر اینکه اعتراض دادستان بر حکم فرجام خواسته مفاد آنکه (با اقدام متهم بدو معامله متعارض بموجب سند رسمی که مورد اعترافش بوده حکم تبرئه او باستناد نداشتن سوء نیت بیمورد و بهر تقدیر عمل او مشمول ماده ۱۱۷ قانون ثبت اسناد خواهد بود وارد

میباشد زیرا نفس اقدام کسی بدو معامله متعارض با حق غیر ملازم با سوء نیت و مطابق ماده مزبور بزه محسوب میشود بدون اینکه سوء نیت جداگانه شرط تحقق آن باشد نظر باینکه دادگاه صادرکننده حکم در اصدار حکم برائت متهم بجهت دیگری نیز صکه عبارت از احتمال صدق دفاع او دایر باشتباه در موضوع معامله باشد استناد نمود و در از طرف دادستان دیوان کشور در ضمن بیان عقیده طبق ماده ۴۳۰ مکرر اصول محاکمات جزائی تقاضای نقض گردیده و نظر هیئت شعبه با عقیده دادستان معزی الیه خلاصه آنکه (حکم دادگاه از جهت اخیر با اوضاع و احوال قضیه و محتویات پرونده مخالفت دارد و برگهای مربوط بمعاملات حاکیست که تمام آن معاملات با توجه خود متهم نسبت بیک ملک واقع شده و اگر جزئی اختلافی در بعضی خصوصیات حدود دیده میشود تأثیری در تغییر موضوع ندارد) موافق میباشد لذا حکم مورد در خواست بموجب ماده ۴۳۰ و ۴۳۰ مکرر اصول مزبور شکسته میشود.»

### رأی دیوان کشور بر شکستن

در موردیکه باظهار متهم دایر با اقدام در تجدید پروانه رسیدگی نشده

### ماده ۴۵ و ۴۳ قانون قاجاق

متهم در صدد تجدید بوده است یا خیر حکم بدوی را استوار نموده در صورتیکه اگر محقق شود که متهم پروانه داشته و در صدد تمدید آن نیز بوده بطوریکه رافع سوء نیت گردد نمیتوان متهم را مرتکب قاچاق تفنگ دانست بنا براین حکم فرجام خواسته را از جهت نقص در تحقیقات بر طبق ماده ۴۳۰ قانون دادرسی کیفری شکسته میشود...»

کسی باتهام داشتن اسلحه شکاری بدون پروانه مورد تعقیب و در دادگاه جنحه سه ماه حبس تأدیبی محکوم و در دادگاه استان استوار میشود بر اثر فرجام خواهی محکوم دیوان کشور شعبه ۵ در دادنامه شماره ۱۵۴۴ بتاریخ ۱۸/۷/۱۸ چنین رأی داده است:

«دادگاه استان بدون تحقیق اینکه آیا متهم در اظهار خود باینکه پروانه داشته و موفق بتجدید آن نشده است صادق بوده است یا نه و بدون تحقیق اینکه

### تصمیم دیوان کشور بر شکستن

در موردیکه دادگاه به رأی کارشناسانی که منجزا اظهار عقیده نکرده اند ترتیب اثر داده

### ماده ۱۱۱ قانون آزمایش

کسی بخواسته مبلغی بمستند یکطغری سند بر دیگری اقامه دعوی کرده و دادگاه شهرستان پس از رسیدگی

است در مطابق بودن خط و مهر مستند دعوی با خطوط مهر فرجامخواه و با ملاحظه عقیده کتبی کارشناسان که قسمتی از آن باین مضمون بوده است ( جمله « مبلغ فوق قبولست » با خطوط اوراق اساس تطبیق علی - الخصوص ورقه استکتابیه مشابه است ) و پس از تحریر جملاتی نوشته شده ( و بنا براین حمل بر صحت انتساب خط و استعمال مهر بنظر اینجانبان اصلاح است ) معلوم میشود که کارشناسان عقیده منجز در تطابق خطوط مهر اظهار نموده اند تا بتوان باستناد آن رأی صادر نمود لذا رسیدگی دادگاه در این قسمت ناقص است و حکم فرجام خواسته بااستناد بماده ۳۴ آئین دادرسی آزمایشی باتفاق آراء شکسته میشود .

خواننده را محکوم بپرداخت خواسته مینماید - پس از استواری حکم در دادگاه استان و شکسته شدن در دیوان کشور دادگاه استان مرجوع مجددا خواننده را محکوم بپرداخت خواسته میکند - این حکم نیز در دیوان کشور شکسته شده و بدادگاه استان دیگر ارجاع میشود - دادگاه اخیر برای احراز مطابقت خط و مهر و مندرج در سند با خطوط و مهر اساس تطبیق رجوع بکارشناس نموده و پس از اظهار عقیده کارشناسان اصالت سند را محرز دیده و حکم پژوهش خواسته استوار میشود - محکوم علیه در خواست رسیدگی فرجامی کرده و شعبه (۳) دیوان کشور پس از رسیدگی در دادنامه شماره ۱۷۸۳ بتاریخ ۱۸/۷/۳۰ چنین رأی داده است :

از مبنای حکم دادگاه استان نظر کارشناسان

### نهمین دیوان کشور بر استوار شدن

در مورد اینکه جلسه مقدماتی دادگاه جنائی پیش از مهلت قانونی تعیین و متهم تبرئه شده

#### ماده ۲ قانون دادرسی جنائی مصوب ۱۳۰۹

مهلت قانونی برخلاف قانون بوده در این مورد که متهمین تبرئه شده اند وارد نیست و مفاد سایر اعتراضات مبنی بر اینکه دلایل کافی برای اثبات ارتکاب فرجام خوانندگان بجرم اقمسابی استراجع بماهیت امر و خدشه در استدلال دادگاه است و از مسائلی نیست که قابل طرح در مرحله فرجامی باشد و چون از سایر جهات نیز اشکالیکنه مؤثر باشد بنظر نرسید حکم فرجام خواسته باتفاق آراء استوار میشود .

چند نفر باتیم اتلاف معمول ملک کسی مورد تعقیب دادرسی شهرستان واقع شده و طبق ماده ۲۶۱ قانون کیفر ادعا نامه بدادگاه جنائی تقدیم میگردد - دادگاه نامبرده پس از رسیدگی متهمین را تبرئه میکند دادستان استان فرجام خواسته و شعبه (۵) دیوان کشور بر حکم شماره ۱۷۳۲ بتاریخ ۲۴-۷-۱۸ چنین رأی داده است : اعتراض دادستان که تعیین جلسه مقدماتی قبل از

### رأی دیوان کشور بر شکستن

در مورد اینکه دادگاه از لحاظ زیان نداشتن جعل در ته چك برای دهنده مالیات عمل را جعل ندانسته

#### ماده ۱۰۲ و ۱۰۳ قانون کیفر

در دیوان کیفر معکوم ولی در قسمت جعل از لحاظ اینکه این عمل زبانی برای دهنده گال مالیات ندانسته میشود -

یک نفر مأمور وصول در آمد با تمام نوشتن چیزی در ته چك و اختلاس مبلغی مورد تعقیب جزائی واقع در قسمت اختلاس

دیوان کشور شعبه ۲ در دادنامه شماره ۱۱۹۷ بتاريخ ۱۸/۵/۳۰ قسمت اختلاس را استوار کرده و در قسمت تبرئه از بزه جعل چنین رأی داده است:

« مستند دادگاه در حکم بر تبرئه متهم از عمل جعل این بوده که ته چك (بر گهای مورد دعوی جعل) نسبت بمؤدیان مالیات و عوارض سند محسوب نمیشود و میزان پرداخت مؤدی از روی سر چك که در دست اوست معین میشود بنابراین نوشتن چیزی در ته چك برخلاف حقیقت جعل نخواهد بود و این استدلال صحیح نیست چه سندیت ته چك لازم نیست فقط در مقابل مؤدیان

مالیات و عوارض باشد بلکه بطوریکه معمول است اشخاص صاحب جمع میزان وجوه دریافتی خود را از روی ته چك معین میکنند و تا درجه از این حیث قابل استناد میباشد و بهر تقدیر بطور مطلق نمیتوان گفت ته چك بیسبب بوده و دارای اثر نبوده و قابلیت اضرار را ندارد چنانکه در همین مورد ظاهراً باستناد همان برك ها مبلغی موضوع اختلاس واقع گردیده و بر تقدیر ارتکاب متهم عمل مزبور جعل محسوب و از این جهت حکم دادگاه مخدوش و بموجب ماده ۴۳۰ قانون اصول محاکمات جزائی باتفاق آراء نقض میشود. »

### رای دیوان کشور بر شکستن

در مورد بیکه دادگاه داشتن تفاله تریاک را بزه

دانسته - ماده ۴ قانون قاچاق

کسی باتهام داشتن تفاله تریاک در دادگاه جنحه مورد تعقیب واقع و تبرئه شده و در مرحله بزه‌پوشی از لحاظ آنکه تفاله از مشتقات تریاک تشخیص شده حکم نخستین را گسیخته و متهم را بجریمه و حبس محکوم کرده - دیوان کشور شعبه ۲ در دادنامه شماره ۱۵۶۰ بتاريخ ۱۸/۷/۱۰ چنین رأی داده است:

« اعتراض اداره انحصار دایر باینکه دادگاه در حساب جریمه نقدی تفاله دچار اشتباه شده و توضیح نماینده آن اداره دایر براینکه هر مثقال تفاله دوریال جریمه دارد مبنی بر اشتباه بوده مبنی بر این است که خود تفاله موضوع قاچاق باشد و این صحیح نیست زیرا تفاله بر حسب توضیحاتیکه در پرونده ملاحظه میشود و مفهوم عرفی کلمه هم مؤید آنست باقیمانده تریاک یا سوخته تریاک است پس از آنکه ماده عامله آن استخراج شده و آن چیز بی مصرفی است دور ریختنی و مشمول عنوان مشتقات مذکور در قانون قاچاق نمیشود چنانکه از

تبصره ماده ۴ قانون کیفر مرتکبین قاچاق هم چنین مستفاد میشود که باید در مشتق حتماً چیزی از واحد اصلی موضوع قاچاق موجود باشد و فرض این است که در تفاله دیگر چیزی از تریاک نمانده است و اگر بتفاله عنوان قاچاقی داده شده باشد لامحاله باید منظور این باشد که کاشف و قرینه بوجود شیره مطبوع است نه اینکه خود تفاله بخودی خود موضوعی برای قاچاق فرض شود و معلوم است عنوان کاشفیت و قرینه بودن تفاله بوجود شیره در نزد دارنده تفاله تابع قرائن و امارات و اوضاع و احوال مورد است و رسیدگی لازم دارد و چون ظاهراً دادگاه مجرد داشتن تفاله را جرم و قابل مجازات دانسته و بهمین جهت هم وارد رسیدگی از جنبه کاشفیت آن نشده اعتراض متهم وارد و حکم مخدوش است و با استناد بماده ۴۳۰ آئین دادرسی کیفری باتفاق آراء شکسته میشود. »



رای دیوان کشور بر شکستن

در مورد بیکه دادگاه متهم به تبانی را بدون توجه بدعوی مالکیت محکوم کرده است

ماده ۲ قانون بردن مال دیگری و ۲۳۸ قانون کیفر

میباشد زیرا قانون استنادی دادگاه را جمع بکیفر اشخاصیکه برای بردن مال غیر تبانی مینمایند ناظر بمواردی است که تبانی برای تضييع حق دیگری و استفاده نامشروع تبانی کننده باشد و مطلق دعوی حقوقی ولو با تبانی هم باشد مشمول قانون مزبور مستلزم کیفر نخواهد بود و در این مورد بنا اینست که بر حسب حکایت بر گهای پرونده و بطوریکه در ادعای نامہ دادستان شهرستان نیز اشعار گردیده متهم برای اثبات مالکیت خود دادخواست بدادگاه حقوقی تقدیم و حکم غیابی هم بنفع او صادر شده بوده و با این کیفیت طبق اصول دادگاه میبایست پس از اخراز نتیجه دادرسی حقوقی و صدور حکم قطعی بر بیحقی مدعی (متهم) در دعوی مالکیت مبادرت باصدار حکم مقتضی نماید - ولذا حکم مورد درخواست رسیدگی فرجامی مخالف اصول محسوب وبموجب ماده ۴۳۰ آئین دادرسی کیفری بانفاق آراء شکسته میشود ( )

کسی بمنولن کلاه برداری تحت تعقیب واقع بدین شرح که نسبت بملکی دونفر باهم دادرسی داشته و یکنفر آنها محکوم علیه شده و متهم بدوا ملک را بمنولن امانی متصرف شده و بعدا با محکوم علیه ساخته و بعنوان ثالث وارد و دعوی مالکیت کرده و حکم غیابی بر اثر تبانی بنفع خود صادر کرده و دادگاه جنحه او را محکوم و دادگاه پژوهش آنرا استوار کرده دیوان کشور شعبه ۲ در دادنامه شماره ۱۵۶۲ بتاریخ ۱۱-۷-۱۸ چنین رای داده است :

( اعتراض عمدۀ فرجامخواه بر حکم مورد درخواست رسیدگی فرجامی خلاصه آنکه ( صدور حکم کیفر موقوف به ثبوت بیحقی او در دعوی مالکیت نسبت بملک محل نزاع بوده و قبل از صدور حکم نهائی بر بیحقی مشارالیه حکم بکیفر بمورد و طبق ماده ۱۷ قانون آئین دادرسی کیفری دادگاه میبایست قرار انطاطه صادر کرده باشد ) بان نتیجه بر حکم مورد درخواست وارد

تصمیم دیوان کشور بر شکستن

در مورد تبرئه متهم بکلاهبرداری از نظر سوء تعبیر در ماده قانونی

ماده ۲۳۸ قانون کیفر و تفسیر آن

سند خالی از وجه را در دادگاه حقوق طرح و بتمام وجه اقامه دعوی کرده و بعدا طرفین دعوی را بچهار صد و پنجاه ریال صلح و دریافت نموده و دادگاه عمل مزبور را منطبق بماده ۲۳۸ و تفسیر آن دانسته و محکوم بمجازات نموده و بنظر دادگاه استیناف این تطبیق صحیح نبوده زیرا اولاً تفسیر مصوب ۲۴-۱۰-۱۴ که دایر بر این

کسی بیزه کلاهبرداری مورد تعقیب دادرسی شهرستان واقع و در دادگاه جنحه طبق ماده ۲۳۸ قانون کیفر بجمیس نادیبی محکوم میشود - محکوم علیه پژوهش خواسته و دادگاه استان چنین رای داده است ( اتهام متهم اینست که هفتصد و بیست ریال که از شاکی طلب داشته دریافت کرده بوده معذک

